

آمریکا

قدر جاز را میدانند

در آمریکا موسیقی جاز بسرعت رو به زوال میرود



جاز گوش میدهند روز بروز در افزایش است. ولی اینطور بنظر می آید که گروه زیادی از آمریکائیان جاز را هنوز يك نوع موسیقی كم اهمیت میدانند. بنظر این عده، مردم جاز را « با كف پاهای خود گوش میکنند نه با مغزشان! » بعقیده همین عده جاز مخصوص بچه ها و افراد معتاد بمواد مخدره است. آدم را بالا و پائین میاندازد، آدم را میپرانند، بدن را اثر میگذارد، پله، جاز همه اینها هست، ولی اسم موسیقی «جدی» نمی شود روی آن گذاشت. جاز بدرد سالن های كسرت نمی خورد. نمی شود به آن گوش داد. نمی شود آن را مورد مطالعه قرار داد. نمی شود فقط بخاطر يك حظ روحی از آن دفاع کرد.

البته من، مثل سایر موسیقی دانان جاز، از ابتدای شروع بكار در این زمینه، با این طرز قضاوت مخالف بوده ام. ولی از هنگامیکه گروه ار كستر ما سال گذشته در آسیا، خاور میانه، کشورهای بالکانی و امریکای جنوبی كسرت هایی داده این مسئله بطرز عمیق تری مورد توجه من قرار گرفته است.

در کشورهای دور دست كه غالباً آشنائی نزدیکی با آلات موسیقی يك ار كستر جاز و باطنین های مختلف آن ندارند، مردم عكس العمل سالم تری نسبت باین موسیقی نشان میدهند. برای آنها هیچگونه سوابق ذهنی اخلاقی در مورد این موسیقی جاز وجود ندارد. آنها با این فكر كه روزی موسیقی جاز در خانه های بدنام نیواورلئان یاد در میخانه های دوره « تحریم الكل » نواخته میشده روی موسیقی جاز قضاوت نمی کنند و هیچگونه سابقه ذهنی نسبت بمنشاء تژادی این موسیقی نزد آنها وجود ندارد.

مردم اینك شور ها غالباً جاز را فقط برای جاز دوست دارند و بدون اینکه به مسائل اجتماعی آن فكر کنند، برای لذت از الهام هنری آن از خود آمادگی نشان میدهند. و غالب اینستكه عكس العمل آنها كه اغلب فقط در ظرف چند ساله اخیر گوششان با این موسیقی آشنا شده، خیلی بیش از اغلب امریکائیها و جهان انگیز و مشتاقانه است.

من هیچگاه استقبالی را كه در آنكارا از ماشد فراموش نخواهم كرد. جمعیت دیوانه وار در سالن كسرت برای مادست میزد و از ما میخواست كه هر قطعه را چند بار تكرار كنیم و هر شب، برای فرار از سالن تنه اراه چاره این بود كه بگوئیم سرود

پس از جنگ جهانی دوم، همراه با توسعه فنون مادی و معنوی آمریکا در سراسر جهان، بسیاری از مظاهر زندگی اجتماعی اینك شور كه تا آن موقع انعكاس وسیعی در سایر نقاط دنیا نیافته بود، زمینه های تازه ای در خارج از آمریکا برای خود پیدا كردند. موسیقی جاز نیز یکی از همین مظاهر زندگی مردم آمریکا بود كه بسرعت در اروپای بعد از جنگ و حتی در آسیا و افریقا شیوع یافت. ولی تحول این موسیقی كه در محافل هنری و اجتماعی کشورهای اروپائی مورد جروب بحث ها و گفتگوهای فراوانی قرار گرفته بود، در آمریکا و اروپا حاك جالبی بخود گرفته است. آنها لیکه ابتدا جاز را معرود قلمداد میکردند هم اکنون با اشتیاق بدنبال آن میروند و آنگاه خالق آن بوده اند اینك ظاهراً آرا بدست فراموشی سپرده اند. «دایری جیل سپای» كه یکی از سرشناسان این هنر است ماجرای جاز را ضمن مقاله جالبی تشریح کرده است كه خلاصه آرا بنظر من میرسانیم:

«ن.م. ناظر»

بنظر بعضی ها ممكن است من، بسبب حرفهائی كه میخواهم بزنم، آدم حق ناشناسی جلوه كنم. چون باتمام احوال من بعنوان يك موسیقیدان زندگی خوب دارم. سال گذشته گروه ار كستر من در حدود ربع میلیون دلار درآمد داشت و در برابر ۹۰۰۰۰ نفر كسرت های متعددی بر گزار كرد.

با اینطریق با حداكثر موفقیت در كسب شهرت و ثروت میبایست كه من خیلی از وضع خود راضی باشم، ولی عملاً اینطور نیست.

این حرف را من از آن جهت میزنم كه جاز، موسیقی مورد نظر من، هیچگاه از طرف مردم كشور من بعنوان يك هنر مورد قبول قرار نكرفته است. مردم ایالات متحده آمریکا، مردمی كه خود خالق این موسیقی شكفت انگیز بوده اند، هرگز نپذیرفته اند كه این موسیقی در واقع اهمیت فرهنگی مهمی دارد.

البته عده ای از روشنفكران، بخصوص جوانان، جاز را بعنوان يك هنر قبول دارند و حتی میتوانم بگویم كه تعداد روشنفكرانی كه بموسیقی



ملی ترک را بنوازند و هنگامیکه مردم به علامت احترام برپا می‌ایستادند، ما بسرعت از در سالن کنسرت خارج میشدیم!

محیط آن رها هم هرگز فراموش نمی‌کنم. خوب یاد دارم که روز قبل از کنسرت مادام شجویان و جوانان به سبب وقایع قبرس، تظاهرات مخالفت آمیزی نسبت با آمریکا عمل آورده بودند، ولی شب همان روز همین جوانان، در سالن کنسرت، از شدت اشتیاق و حرارت کتفای خود را به هوا می‌انداختند و دست آخر هم مرا روی شانه خود در کوچه‌ها و خیابانهای شهر گردش دادند. و روزنامه انگلیسی زبان شهر با عنوان درشتی در صفحه اول خود نوشته بود: «جوانان دایزی راسر دست می‌برند!...»

و ناگفته نماند که دسته‌های کستر من تنها دسته‌های کستری نبوده که در کشورهای دیگر موفقیت بدست آورده است. از سال ۱۹۵۰ تقریباً یکنوع مهاجرت دسته‌جمعی موسیقی دانان جاز امریکائی بخارجه شروع شده که می‌توان آنرا مهم‌ترین وسیله اشاء و توسعه جاز در دوران پس از جنگ جهانی دوم دانست.

موسیقی دانان مشهوری نظیر «بنی کودمان»، چارلی وائتورا و چت بکر درخاور دور و کسانی نیز نظیر لوئیس آرمسترونک در آفریقا و اروپا کنسرت‌های فراوانی داده‌اند و لوئیس آرمسترونک حتی خیال دارد به روسیه شوروی هم سفر کند. در تمام کشورهای دنیا، استقبال بی نظیری از این موسیقیدانان جاز امریکائی بعمل آمده است.

در کولاً آمپور، جمعیت برای «بنی کودمن» سرو دست می‌شکست و در بانک، پادشاه سیام که از علاقمندان به موسیقی جاز است، در میان کنسرت، ناگهان روی صحنه رفت و یک سوپرانوی ساکسوفون بدون تمرین قبلی با کودمن همکاری کرد و تمام روزنامه‌های دنیا در صفحات اول خود عکسهای این ماجرا را چاپ کردند.

در استکهلم لوئیس آرمسترونک رکورد فروش پلیط سالن‌های کنسرت را که متعلق به کنسرت‌های موسیقی دان بزرگ کلاسیک «سیبلیوس» بود شکست. در هامبورگ جوانان، پس از پرسیدن سالن، چنان به باجه‌های فروش پلیط هجوم می‌آوردند که پلیس ناچار شد از تلمبه‌های آب آتش‌نشانی استفاده کند. در ساحل طلا، لوئی آرمسترونک ترومپت خود را در برابر عظیم‌ترین جمعیتی که تا بحال در یک کنسرت اجتماع کرده‌اند یعنی در برابر صد هزار نفر جمعیت بساط او آورد و غالب این عده از چهار صد کیلو متر دورتر برای شنیدن این کنسرت براه افتاده بودند.

استان کنتون در شهر دو بلین از طرف جمعیت چنان مورد استقبال قرار گرفته بود که فریادها و هورا‌های آنها را یک «دیوار صوت شکست ناپذیر» می‌نامیدند! در برلن، در کس استوارت، در برابر یک سالن پر از مسته‌مین روسی کنسرتی داده بود و آنطور که می‌گفت همه آنها ز شدت هیجان سر از پانویس‌ها ساختند.

در ژاپن، رفیق عزیز من، «جن کردیا» مورد چنان استقبالی قرار گرفته بود که بگفته خودش «هرگز نظیر آنرا تصور هم نمی‌کرده‌است». لایونل هامپتون در شهر آمستردام برای نجات از دست علاقمندان جاز ناچار به پلیس پناه برده بود. در پاریس، لاکئی تومپسون، فقط در ظرف چندماه باندازه چندین سال فعالیت خود در آمریکا صفحه پر کرده بود.

در لندن، مل تورم بنا به دعوت شخصی پرنس مارگارت در کافه پاریس آواز خواند.

همانطور که حدس می‌زنید این استقبال شورانگیز مردم کشورهای دیگر از موسیقی جاز تاثیر عمیقی در روحیه ما بعمل آورده است. لایونل هامپتون که حالا دیگر فقط هر چند وقت به چند وقت برای مدت کوتاهی با آمریکا می‌آید و بر می‌گردد،

حرف خوبی می‌زد. وی می‌گفت: «ما با اشتیاق و ذوق مرد بزنده ایم و این بهترین پاداشی است که ما می‌توانیم انتظار داشته باشیم. در کشورهای دیگر این قضیه نیستیم که باعث نشاط جمعیت می‌شویم، بلکه جمعیت هم با شور و علاقه خود به نشاط و اشتیاق ما می‌شود»

«نورمن گرانز» که مدت شش سال دسته‌های جاز را در خارج رها می‌کرد، می‌گفت: «علت علاقه فراوان اروپائیان به موسیقی جاز اینست آنها بر خلاف ما امریکائیها، توجه بیشتری به مسائل هنری می‌کنند.»





فلوتیست مشهور جاز «هری مان» حتی از اینهم پیش تر میرود و ضمن مقاله ای مینویسد: «در اروپا از جاز بعنوان موسیقی خفیف کاباره ها آنطور که در آمریکا معمول است - استفاده نمیکند و مثلاً در کشورهای اسکاندیناوی، در کلوب های جاز حتی استعمال مشروبات الکلی هم قدغن است و حداکثر آ بجوی خیلی ضعیف برای رفع تشنگی وجود دارد.

بسبب همین احترامی که در اروپا و سایر کشورهای خارجه برای موسیقی جاز قائلند، غالب موسیقی دانان جاز آمریکائی رغبت خاصی به سفر پیدا میکنند و بسیاری از آنها بخصوص پس از چند سفر در اروپا ترجیح میدهند که بطور دائم در آنجا ساکن شوند. دو نفر از مشهورترین این موسیقی دانان جاز، البته دان بایزو سیدنی بیچت هستند که اولی در آمستردام و دومی در پاریس رحل اقامت افکنده اند.

علاوه بر این مثالها من میتوانم مطالب جالب دیگری هم در این زمینه ذکر کنم: در اروپا اهمیتی که معاموعات به جاز میدهند، خیلی بیشتر از خود آمریکا است. برنامه های انتخابی موسیقی جاز شبکه های رادیوئی اروپا خیلی اصیل تر و قابل توجه تر از برنامه های جاز غالب رادیو های خود آمریکا است. در تمام کشورهای اروپائی که من دیدم بچه ها با ذوق و شوق به فرا گرفتن آلات مختلف موسیقی جاز میپردازند، در حالیکه در کشور خود ما این موضوع خیلی کم چشم میخورد و کلوب های ملی و آکادمی های جاز غالب کشورهای اروپای غربی - که متأسفانه در آمریکا نظیر آنها پیدا نمیشود - فعالیت فراوانی دارند و حتی در آسیا و آفریقا هم نظائر این کلوبها سرعت تشکیل میشود. بعضی از دولتهای اروپائی نه فقط در داخله کشور خیلی به اشاعه جاز کمک میکنند، بلکه حتی - نظیر دولت هلند - گروهائی از موسیقیدانان جاز نیز به سرزمین های تحت اداره خود گسیل میدارند. من از بعضی مقامات وزارت خارجه آمریکا و از منابع دیگر شنیده ام که حتی در کشورهای کمونیست نیز با اینکه تا چند سال پیش جاز را بعنوان یک «موسیقی دیوانهوار» «مضر برای طبقه زحمتکش» مورد حمله قرار میدادند، هم اکنون موسیقی جاز از رادیو های آنان پخش میشود و حتی در لهستان هر ساله یک فستیوال جاز تشکیل میگردد. یک روزنامه نگار آمریکائی گزارش میدهد که حتی در پراگ مقبره مقدس لنین و استالین در میدان سرخ هم صدای موسیقی جاز بگوشش خورده است!



بعنوان يك موسیقی دان جاز، من از اینکه کشورهای خارجه موسیقی ما را قبول کرده اند ناراحت نیستم. برعکس خیلی هم بخود می بالم ولی، بعنوان يك آمریکائی متأسفم که دیگران از هنری که ما خالق آن بوده ایم خیلی بهتر از خود ما استفاده میکنند. شاید برای بسیاری از خارجیان این مسئله قابل تصور نباشد ولی حقیقت اینست که در آمریکا جاز بطرز اسفنا انگیزی روبرو می رود. در سالهای قبل از جنگ و بلافاصله بعد از جنگ، همه بیادتان هست که هاری جیمس، دوک الینگتون و غیره برنامه های منظمی در رادیو ها داشتند. در آن موقع من فکر میکردم که موسیقی جاز در سر اشیبی تکامل و ترقی است و بزودی بصورت موسیقی فولکلوریک واقعی آمریکا در خواهد آمد. ولی امروز این وضع بکلی تغییر یافته و موسیقی محلی آمریکا در حقیقت تشکیل شده است از فریادهای گوشخراش امثال الویس پریشلی. بین تمام شبکه های رادیوئی آمریکا فقط شبکه «موتو آل رادیو» است که برنامه منظمی از جاز اصیل دارد.

در طی دهسالی که تلویزیون عمومیت پیدا کرده فقط یکبار يك برنامه جاز جالب در سال ۱۹۵۵ در سراسر آمریکا اجرا شد. آنهم باینکه بودجه ضعیف و در فصل تابستان برای پر کردن جای خالی برنامه های دیگر! در واشینگتن

بسیاحت کشوری که جاز را بدنیا ارمغان داد، سابقاً چهار کلوب بزرگ، موسیقی جاز وجود داشت و اکنون کوچکترین اثری هم از آنها وجود ندارد. در سایر زمینه ها نیز وضع موسیقی جاز به همین اندازه اسفنا انگیز است. بنابراین برای من تعجب آور نیست اروپائیها بگویند: «آمریکائیها قدر جاز را نمیدانند!»

من امیدوارم که این انتقادات باعث شود که هموطنان من توجه بیشتری نسبت به موسیقی خود نشان دهند.

تقاضای من اینست که جاز بعنوان يك قسمت از فرهنگ واقعی آمریکا شناخته شود. در این صورت است که موفقیت تجاری آن کاملاً تضمین خواهد شد. جاز باید از کودکی با اطفال یاد داده شود و در کلاسها نباید تفاوتی بین موسیقی کلاسیک و موسیقی جاز قائل شد. بگذارید تا اطفال آزادانه موسیقی جاز را فرا گیرند و بگویند که «این موسیقی آمریکا است». پس از این آمادگی اولیه، خود اطفال قادر خواهند بود که انتخابی بعمل آورند و جاز اصیل را بپذیرند و جاز جعلی و ناپابرا بدور اندازند.

شاید قابل باور نباشد، ولی در آمریکا هیچگونه مرکزی برای نگاهداری نمونه آهنگهای جاز ثبت شده باننده وجود ندارد. تقاضای من آن است که دولت آمریکا يك بایگانی ملی جاز تأسیس نماید. ●●

